

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



**دانشکده ادبیات و علوم انسانی**

**گروه زبان و ادبیات فارسی**

عنوان:

**مطالعه و بررسی نوع ادبی تذکرة الاولیاء در عرفان و  
ادب فارسی با تأکید بر «تذکرة الاولیاء» عطار**

نگارش:

**مدینه مهدوی**

استاد راهنما:

**دکتر بهمن نزهت**

**پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد**

**بهمن ۱۳۹۰**

به صحرا شدم، عشق باریده بود.

زمین تر شده،

چنانکه پای به برف فرو شود به عشق فرو می‌شد.

(بایزید بسطامی)

**تقدیم به**

**پدر و مادر عزیزم**

**و**

**برادرها و خواهرانم.**

## تقدیر و تشکر

آفرین جان آفرین پاک را                      آن که جان بخشید مشتی خاک را

خداوند بی همتا را سپاسگزارم، که نه تنها به وجود بی جان و خاکی ام، جان بخشید بلکه شوق رسیدن به تعالی روحی و علمی را هم در نهادم نهاد و همواره در این راه عنایتش همراه من بوده است.

مراتب تشکر و قدردانی را از استاد گرامیم جناب آقای دکتر نزهت دارم که در معنای واقعی کلمه استاد و راهنما و دلیل راه من در به ثمر رساندن این رساله بودند. استادی با سعه صدر و دانش بی نظیر که هیچ کلمه‌ای نمی‌تواند حتی یکی از جوانب بزرگواری‌های ایشان را به خوبی مشخص نماید.

از تمامی اساتید محترم گروه زبان و ادبیات فارسی هم سپاسگزارم که همیشه در راه تعالی دانشجویان ادبیات می‌کوشند. برای تمامی این عزیزان طول عمر و سلامتی و موفقیت را آرزو دارم.

از کمک‌های بی دریغ کارمندان محترم کتابخانه دانشکده ادبیات و آموزش دانشکده ادبیات هم بسیار سپاسگزارم. همچنین از دوستان عزیز و همکلاسی‌های گرامیم که از کمک‌های فکری و علمی به من دریغ نکردند کمال تشکر را دارم و امیدوارم با عنایت خداوندی به تمامی آرزوهای زیبایشان برسند و همیشه تندرست و خوشحال و موفق باشند.

در پایان کمال تشکر را دارم از خانواده عزیزم، از پدرم به خاطر دعاهای خیرش که هیچ وقت آن را از فرزندانش دریغ نمی‌کند و از مادرم که همیشه شرمنده صبر و تحمل و کمک‌های معنوی و دعاهای خیرش هستم و از برادران و خواهرانم بسیار متشکرم که از هر گونه کمکی که از توانشان برمی‌آمد، از من دریغ نکردند. امیدوارم بتوانم ذره‌ای از مهربانی‌ها و یاری‌های این عزیزان را جبران نمایم.

## چکیده:

تذکره‌الاولیاءها از با ارزش‌ترین و مهم‌ترین آثار تاریخی و معنوی یک ملت است. این تذکره‌ها در فرهنگ و ادب اسلامی ابتدا به زبان عربی و به صورت بسیار روشمند و منسجم تألیف یافت و سپس در ادب فارسی نیز متداول شد و طبقات‌الصوفیة خواجه عبدالله انصاری، تذکره‌الاولیای عطار نیشابوری و نفحات‌الانس جامی نمونه‌های عالی آن در ادب فارسی است. سنت تألیف مجموعه‌های حاوی سخنان اولیاء ریشه در کار سترگی دارد که از قرن دوم هجری برای گرد آوری افعال و اقوال (احادیث) پیامبر(ص) و صحابه آن حضرت آغاز شد.

در این جستار برای شناخت جنبه‌های مهم نوع ادبی تذکره‌الاولیاء، ریشه آن را در زبان عربی و در آثار سلمی و در ادبیات غربی از بیوگرافی تا هاگیوگرافی بررسی نموده‌ایم. در ادامه برای روشن شدن این سیر، در بخش سوم خواجه عبدالله انصاری و طبقات‌الصوفیة، و در بخش چهارم جامی و نفحات‌الانس مورد بررسی قرار گرفته و ویژگی‌های اثر هر یک از این بزرگان بیان شده است. در بخش پنجم نوبت به عطار و آثار عرفانی او می‌رسد و ارتباط مثنوی‌های عرفانی او با تنها اثر منثورش از طریق مشخص کردن حکایات مشترک، مشخص می‌گردد. تذکره‌الاولیاء عطار کتابی فراهم آمده از حکایات و اقوال عارفان و مشایخ بزرگ صوفیه است که هم دیدگاه‌ها و تعالیم و آموزه‌های عرفانی عرفا را در خود حفظ نموده و هم جزئیات زندگی آنان را به زیبایی به تصویر کشیده است. این کتاب یک اثر ادبی-عرفانی بسیار شیوا و ارزشمندی است که مؤلف آن شاعر بزرگ عرفان و ادب فارسی است که دارای مثنوی-های عرفانی نیز می‌باشد. این کتاب بیانگر لحظات و آنات زندگانی و تجارب عرفانی اولیا و عرفای مشهوری است که عطار آن را با اسلوب بیان خاص خود و با شیوه شاعرانه تألیف کرده است. در حقیقت می‌توان گفت که نوع ادبی تذکره‌الاولیاء، در عرفان و ادب فارسی با این اثر عطار آغاز می‌شود. در حقیقت در این اثر داستان‌های زندگی عرفا و اولیا با حکایات و روایات اسلامی عجین شده است و عطار آنها را با قوه خیال خود به زیبایی پرورده و بیان نموده است که این ویژگی‌ها در بخش‌های رویکرد عرفانی و ادبی به تذکره‌الاولیاء بررسی شده است.

## واژگان کلیدی:

تذکره‌الاولیاء، طبقات‌الصوفیة، نفحات‌الانس، عرفان و تصوف اسلامی، نوع ادبی.

**بخش اول: مقدمه و کلیات تحقیق**

- ۱-۱- مقدمه..... ۱
- ۱-۲- تعریف مسأله و بیان اصلی تحقیق..... ۲
- ۱-۳- پیشینه و ضرورت انجام تحقیق..... ۳

**بخش دوم: سیر تذکره نویسی**

- ۲-۱- از بیوگرافی تا هاگیوگرافی..... ۴
- ۲-۲- سلمی..... ۸
- ۲-۳- مهمترین آثار سلمی..... ۹
- ۲-۴- از طبقات سلمی تا نفحات جامی..... ۱۰

**بخش سوم: خواجه عبدالله انصاری**

- ۳-۱- خواجه عبدالله انصاری..... ۱۲
- ۳-۲- سبک نثرهای خواجه عبدالله..... ۱۳
- ۳-۳- طبقات الصوفیه..... ۱۴

**بخش چهارم: عبدالرحمان جامی**

- ۴-۱- جامی..... ۱۹
- ۴-۲- نفحات الانس..... ۲۱
- ۴-۳- انگیزه‌های جامی در تألیف..... ۲۲
- ۴-۴- ویژگی‌های نفحات الانس..... ۲۳

**بخش پنجم: شیخ فریدالدین عطار نیشابوری**

- ۵-۱- مقدمه..... ۲۵
- ۵-۲- آثار عرفانی عطار..... ۲۷

- ۳-۵- تذکرة الاولياء عطار..... ۳۴
- ۴-۵- اهميت مقدمة تذکرة الاولياء..... ۳۹
- ۵-۵- تذکرة الاولياء در پيوند با مثنوی های عطار..... ۴۵
- ۱-۵-۵- حکايت های مشترک تذکرة الاولياء و الهی نامه..... ۴۷
- ۲-۵-۵- حکايت های مشترک تذکرة الاولياء و اسرارنامه..... ۵۹
- ۳-۵-۵- حکايت های مشترک تذکرة الاولياء و منطق الطير..... ۶۱
- ۴-۵-۵- حکايت های مشترک تذکرة الاولياء و مصيبت نامه..... ۷۰

### بخش ششم: رویکردی عرفانی به تذکرة الاولياء

- ۱-۶- عرفان و تصوف اسلامي در تذکرة الاولياء..... ۷۹
- ۱-۶-۱- مفهوم تعصب در عرفان عطار..... ۸۴
- ۲-۶-۱- جدال با نفس در روايات تذکرة الاولياء..... ۹۱
- ۲-۶-۲- زبان و تجارب عرفانی در تذکرة الاولياء..... ۹۳
- ۳-۶- حماسه عرفانی در تذکرة الاولياء..... ۹۵
- ۱-۶-۳- بايزيد بسطامي..... ۹۸
- ۲-۶-۳- حسين بن منصور حلاج..... ۱۰۰
- ۴-۶- کرامت اوليا در تذکرة الاولياء..... ۱۰۶
- ۵-۶- داستان انبياء به روايت عطار در تذکرة الاولياء..... ۱۱۲
- ۱-۶-۵- آدم(ع)..... ۱۱۳
- ۲-۶-۵- ابراهيم(ع)..... ۱۲۲
- ۳-۶-۵- ايوب(ع)..... ۱۲۷
- ۴-۶-۵- ادريس(ع)..... ۱۲۹
- ۵-۶-۵- خضر و الياس(ع)..... ۱۳۱
- ۶-۶-۵- داود(ع)..... ۱۳۹
- ۷-۶-۵- سليمان(ع)..... ۱۴۱
- ۸-۶-۵- عيسى(ع)..... ۱۴۵
- ۹-۶-۵- لقمان(ع)..... ۱۴۷
- ۱۰-۶-۵- لوط(ع)..... ۱۴۸
- ۱۱-۶-۵- موسى(ع)..... ۱۴۹
- ۱۲-۶-۵- نوح(ع)..... ۱۵۳

۱۵۶.....	۱۳-۵-۶- یحیی (ع)
۱۵۸.....	۱۴-۵-۶- یونس (ع)
۱۵۹.....	۱۵-۵-۶- یوسف و یعقوب (ع)
۱۶۴.....	<b>۶-۶- اصطلاحات مهم در زبان عطار در تذکرة الاولیاء</b>
۱۶۴.....	۱-۶-۶- آخرت
۱۶۵.....	۲-۶-۶- دنیا
۱۶۷.....	۳-۶-۶- دین
۱۶۸.....	۴-۶-۶- طلب
۱۶۹.....	۵-۶-۶- عشق
۱۷۰.....	۶-۶-۶- محبت
۱۷۱.....	۷-۶-۶- معرفت
۱۷۳.....	۸-۶-۶- استغنا
۱۷۴.....	۹-۶-۶- توحید
۱۷۷.....	۱۰-۶-۶- حیرت و تحیر
۱۷۸.....	۱۱-۶-۶- فقر
۱۸۱.....	۱۲-۶-۶- درد

### **بخش هفتم: رویکردی ادبی به تذکرة الاولیاء**

۱۸۳.....	۱-۷- مقدمه
۱۸۶.....	۲-۷- بررسی موارد تکرار شده در ابواب تذکرة الاولیاء

### **بخش هشتم:**

۱۹۲.....	نتیجه گیری
----------	------------

۱۹۴.....	<b>فهرست منابع</b>
----------	--------------------



بخش اول

مقدمه و کلیات تحقیق

## ۱-۱- مقدمه

کردی ای عطار بر عالم نثار  
نافه مشک هر زمانی صد هزار  
از تو پر عطر است آفاق جهان  
و ز تو در شورند عشاق جهان  
بر اهل ادب روشن است که ادبیات عارفانه همیشه با رازوارگی همراه بوده است و درک مفاهیم، اصطلاحات و مضامین شعر و نثر ادب عرفانی هیچ گاه به سادگی ممکن نبوده است که دلیل آن هم عجزین شدن آن با نمادها و سمبل‌های خاص خود است.  
عطار از عرفایی است که در نگاه اول به آثارش، شاید آن پیچیدگی و راز آلودگی که در آثار دیگر عرفا دیده می‌شود، در آن به چشم نیاید و زبان عطار ساده‌تر بنماید ولی در بررسی عمیق‌تر، ابهامات و سؤالات بسیاری برای آدمی پدید می‌آید.

عطار در کتاب تذکرةالاولیاء مجموعه‌ای از زندگینامه (بیوگرافی) های اولیا به معنای امروزی پدید نیاورده، بلکه همان طور که در مقدمه کتاب توضیح داده است از دوران کودکی عشق به اولیا و عرفا در دلش نهادینه شده بوده و همین امر باعث شده است که او عزم خود را جزم کند و اقدام به جمع‌آوری اقوال و احوال اولیا و بزرگان تصوف نماید. اگر به عنوان کتاب آن گونه که مقصود عطار است دقت کنیم، می‌فهمیم که تذکرةالاولیاء ذاتاً کتابی عرفانی است که شأن ادبی دارد. هدف عطار به وجود آوردن اثری است که در دوران شیوع بی‌ایمانی و دوری از آموزه‌های دین اسلام و دوران طلایی حیات پیامبر (ص) به کسانی که در جستجوی راه درست زیستن و ایمان واقعی هستند کمک نماید.

«سنت تألیف مجموعه‌های حاوی سخنان اولیاء ریشه در کار سترگی دارد که از قرن دوم هجری برای گردآوری افعال و اقوال (احادیث) پیامبر (ص) و صحابه آن حضرت آغاز شد، زیرا که سنت و قرآن مجموعه مکتوبی‌اند که قوانین اسلامی (شریعت) بر آن استوار است.» (اگل، ۱۳۸۱: ۱۵۸)

«عرفان اسلامی نیز، که همچون صورت کمال یافته اسلام اصیل دانسته شده است، از دیدگاه ادبی از طریق روایت اقوال و افعال بزرگان روحانی بیان شده است. در این نوشته‌ها جزئیات صرفاً مربوط به زندگینامه‌های عرفا در قیاس با آراء تصوف جایگاهی درجه دوم دارند و غالباً در آنها منقبت بر واقعیت برتری می‌یابد. در عین حال همین نوشته‌ها وجه زنده تصوف را نمایان می‌سازند، و همین نکته به این نوشته‌ها، در کنار رساله‌های اعتقادی و مکتبی، ارزشی بزرگ می‌بخشد.» (اگل، ۱۳۸۱: ۱۶۰)

تذکره‌الاولیاءها از با ارزش‌ترین و مهمترین آثار تاریخی و معنوی یک ملت است. این تذکره‌ها در فرهنگ و ادب اسلامی ابتدا به زبان عربی و به صورت بسیار روشمند و منسجم تألیف یافت و سپس در ادب فارسی نیز متداول شد و طبقات‌الصوفیة خواجه عبدالله انصاری، تذکره‌الاولیای عطار نیشابوری و نفحات الانس جامی نمونه‌های عالی آن در ادب فارسی است. آثار یاد شده در حقیقت از اهم منابع عرفانی هستند که گاهی به عنوان یک منبع متقن و موثقی دیدگاه‌ها و فرقه‌های گوناگون عرفانی را معرفی می‌کنند و گاهی نیز به صورت یک منبع مهم تاریخی سرگذشت عرفا و برخی از جزئیات زندگی آنان را در خود حفظ کرده‌اند. در این میان تذکره‌الاولیاء عطار نیز کتابی فراهم آمده از حکایات و اقوال عارفان و مشایخ بزرگ صوفیه است که هم دیدگاه‌ها و تعالیم و آموزه‌های عرفانی عرفا را در خود حفظ نموده و هم جزئیات زندگی آنان را به زیبایی به تصویر کشیده است. لیکن باید توجه داشت که این اثر تنها یک منبع صرفاً تاریخی نیست که با رجوع به آن تنها با تاریخ زندگانی عرفا آشنا شد، بلکه این کتاب یک اثر ادبی- عرفانی بسیار شیوا و ارزشمندی است که مؤلف آن شاعر بزرگ عرفان و ادب فارسی است که دارای مثنوی‌های عرفانی نیز می‌باشد. این کتاب بیانگر لحظات و آنات زندگانی و تجارب عرفانی اولیا و عرفای مشهوری است که عطار آن را با اسلوب بیان خاص خود و با شیوه شاعرانه تألیف کرده است. در حقیقت می‌توان گفت که نوع ادبی تذکره‌الاولیاء، در عرفان و ادب فارسی با این اثر عطار آغاز می‌شود. در حقیقت در این اثر داستان‌های زندگی عرفا و اولیا با حکایات و روایات اسلامی عجین شده است و عطار آنها را با قوه خیال خود به زیبایی پرورده و بیان نموده است.

## ۲-۱- تعریف مسأله و بیان اصلی تحقیق

در این پژوهش اصل و منشأ این نوع ادبی، اصول و قوانین و ویژگی‌های آن و اسلوب بیان عطار مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت. همچنین ضمن تحقیق در باب منشأ این نوع ادبی، آن را با دیگر آثار هم نوع خود نظیر طبقات‌الصوفیة انصاری و نفحات الانس جامی نیز مقایسه خواهیم کرد و جایگاه ادبی- عرفانی این اثر را در میان آثار هم نوع خود به تفصیل بیان خواهیم نمود. منبع اصلی ما در این تحقیق کتاب تذکره‌الاولیاء عطار بر اساس چاپ دکتر استعلامی خواهد بود.

### ۳-۱- پیشینه و ضرورت انجام تحقیق

در باب کتاب تذکرة الاولیاء عطار هنوز تحقیق مستقل و مستدلی صورت نگرفته است تا بتواند تمام زیبایی‌ها و ظرایف این اثر منثور عطار را به طور کلی تبیین و تشریح نماید. در واقع این اثر از برجسته‌ترین متون منثور ادب فارسی است، که متأسفانه شهرتش در برابر مثنوی‌های مشهور عطار، رنگ باخته و هنوز آن جایگاه شایسته خود را در ادب فارسی پیدا نکرده است. بنابراین انجام تحقیقی مستقل برای اثبات موارد فوق الذکر در باب کتاب تذکرة الاولیاء ضروری می‌نماید.

با بررسی این کتاب هم با قدرت بی‌نظیر عطار در تلفیق عرفان با ادب فارسی بیشتر آشنا می‌شویم و هم به ارزش واقعی تذکرة الاولیاء به عنوان کتابی عرفانی در ادبیات عرفانی و هم به عنوان کتابی ادبی در ادبیات به خصوص ادبیات فارسی پی می‌بریم. همچنین مشخص می‌شود که منبع و ریشه اصلی مثنوی‌های عرفانی عطار در واقع احوال و اقوالی است که او در تذکرة الاولیاء جمع آوری می‌کرده است.

## ۱-۲- از بیوگرافی تا هاکیوگرافی

زندگینامه (biography) روایت رویدادهای زندگی فردی از افراد جامعه است از طریق ترسیم منحنی چرخه هستی او از گهواره تا گور در مورد رفتگان و تا زمان نوشتن زندگینامه در مورد زندگان.

زندگینامه نویس داده‌های مستند مرتبط با واقعیات زندگی قهرمان یا شخصیت اصلی اثر خود را به دستمایه تخیل سازنده‌اش انتظام می‌بخشد. نقش داده‌های مستند تاریخی در شکل‌گیری محتوای آن از یک سو و نقش عامل تخیل ریخت‌بخشنده در زبان روایت آن از سوی دیگر، زندگینامه را در فاصله میان تاریخ و داستان (یا رمان و به عبارت دیگر آثار ادبی) جای می‌دهد. (ر.ک. به پیشگفتار تذکرة الاولیاء، ۱۳۸۸: پنج)

تاریخ زندگینامه نویسی در مفهوم سنتی آن به عصر باستان باز می‌گردد و نمونه‌های آن را تقریباً در همه فرهنگ‌های پیشرفته باستانی می‌توان یافت. این نمونه شامل الواح، پاپیروس‌ها و سنگ‌نبشته‌هایی است که در آنها غالباً بخشی از اعمال و رفتار فرمانروایان و نقش و جایگاه تاریخی آنان بر شمرده شده و مورد ستایش قرار گرفته‌اند. این توصیف تاریخی از زندگینامه نویسی شامل جامعه باستانی ایران نیز هست که سنگ‌نبشته‌های دوران هخامنشی تا دوران ساسانی را در بر می‌گیرد. در برخی از آثار دوران یونان باستان نمونه‌های متفاوتی وجود دارد که در آنها این اندیشمندان هستند که قهرمانان آنها هستند نه پادشاهان.

چهره شاخص این روند در روم باستان پلوتارک نویسنده «حیات مردان نامی» است که دیدگاه‌های او درباره اثرش اولین خشت‌های بنای نظریه زندگینامه نویسی محسوب می‌شود. از جمله اینکه تاریخ و زندگینامه نویسی با هم فرق دارند زیرا که تاریخ به اعمال و رفتار انسان‌ها می‌پردازد و زندگینامه به ماهیت وجودی آنان.

در زندگینامه‌های عصر مسیحیت یا قرون وسطی، چهره‌های سیاسی جای خود را به شخصیت‌های دینی می‌دهند که در رأس آنها حضرت مسیح و رسولان او قرار دارند و قدیسان دیگر نیز تدریجاً به آنها افزوده می‌شوند. اصطلاحی هم که در ادبیات غربی (از سده نوزدهم به بعد) عموماً برای این نوع زندگینامه نویسی به کار رفته hagiography (از- hagio یونانی به معنی «قدسی، مربوط به قدیسان») یا hagiology است که با استفاده از اصطلاح سنتی اسلامی «سیره» (گزارش اعمال و اقوال پیامبر اسلام (ص) و توسعاً امامان و اولیا) شاید بتوان «سیره

نویسی» را برابر مناسب آن دانست (نصراالله پورجوادی در برابر آن اصطلاح «اولیانامه» را پیشنهاد می کند/۱۳۸۶: ۲/ ۲۹۱)

«به هر تقدیر، سیره نویسان قرون وسطی در گزارش خود از زندگی رسولان و قدیسان مسیحی که با هدف تبلیغ و تعلیم دینی صورت می گرفت عمدتاً از عهد جدید یعنی انجیل‌های چهارگانه الهام می گرفتند و از ساختار روایی آنها الگو برداری می کردند که هر یک جداگانه و در عین حال به شیوه‌ای همانند به ستایش و بزرگداشت حضرت عیسی (ع) پرداخته، سخنان مهم او را گرد آورده و تفسیر کرده و کوشیده‌اند که خوانندگان خود را قانع کنند که پرداختن به زندگی و اعمال و اقوال وی در تحول و تعالی معنوی و تهذیب اخلاقی آنان ضروری است.» (ان.پارک، ۲۰۰۲: ۷-۸)

«سیره نویسان مذهبی در واقع ضرورتاً تعارضی میان جهان واقعیت و افسانه نمی دیدند؛ و در نظرشان هر دو قلمرو واقعیت و افسانه حاوی نشانه‌های حقیقت بنیادی نهفته در سرشت موجودات در ارتباط با امر معنوی تلقی می شدند؛ و آموختن این نشانه‌ها مظهر حقیقت قدسی و ازلی هم بی چون و چرا و گریز ناپذیر بود؛ و نیروی تخیل هم به مثابه عدسی دقیق تمرکز در مشاهده و درک حقیقت، در فرآیند آموختن نقشی سازنده داشت.

بدین ترتیب، در اصل پیوند متقابل میان عقل و وهم، تخیل و حقیقت و قلمروهای زمینی و آسمانی، جهان بینی حاکم بر «سیره»ها یا زندگینامه‌های قدسی قرون وسطای مسیحی را انتظام می‌بخشید و اصالت آنها را تضمین می‌کرد. رنسانس اروپایی اندک اندک به این اسلوب زندگینامه نویسی پایان داد و محصول آن هم زندگینامه نویسی مدرن بود که، دست کم به نحو آشکار و هدفمند، نه به ستایش و بزرگداشت شخصیت اصلی یا قهرمان خود می‌پردازد و نه به نکوهش و فروداشت هر که جز اوست، و انگیزه نگارش آن هم تعلیمی و تهذیبی نبود.» (همان: ۸).

انسان گرایی و حسن کنجکاوی آن نسبت به حیات زمینی جهت حرکت، نحوه روایت و مرکز ثقل زندگی را از پایه متحول ساخت و زندگی دانته اثر بوکاچیو از نمونه‌های اولیه ایتالیایی آن بود.

لیکن زندگینامه نویسی در ایران پس از اسلام به گونه‌ای متعالی‌تر بود. قهرمانان زندگینامه‌ها - یا در واقع سیره ها و اولیانامه ها- شخصیت‌های دینی و در رأس آنان پیامبر اکرم(ص)، امامان(ع)، اولیا و عارفان بوده‌اند. از آنجایی که در صدر اسلام اصطلاح «سیره» تنها در اشاره به گزارش زندگی - یعنی اعمال و اقوال- پیامبر(ص) و به ندرت توسعاً در مورد شخصیت‌های

دیگر به کار می‌رفت، بنابراین در مورد زندگینامه امامان و نیز زاهدان و پارسایان برجسته و عارفان از اصطلاح ویژه‌ای استفاده نمی‌شد. برای مثال، طبقات الصوفیه (سده پنجم)، کشف المحجوب (سده پنجم) و اسرارالتوحید (سده ششم)....

«تذکره الاولیاء نخستین نمونه‌ای است که اصطلاح «تذکره» در عنوان آن دیده می‌شود. این واژه مشتق از «ذکر» و در لغت به معنی آنچه بدان چیزی را به یاد آورند... و در اصطلاح، به طور کلی، به کتابی گفته می‌شود که حاوی یاد و نام و احوال و آثار مشاهیر رشته‌های مختلف علوم باشد؛ و در ادبیات کتابی است که در آن احوال شعرا نوشته شده باشد... کتاب‌هایی با این عنوان از قرن چهارم ق. در فرهنگ عربی دیده می‌شود...» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۳۰۲/۲)

بدین ترتیب، واژه «تذکره» در فرهنگ عربی - فارسی کلاسیک دقیقاً در معنا و مفهوم عام «زندگینامه/بیوگرافی» بدون محدودیت و اختصاص به حوزه ویژه‌ای از گروه‌های اجتماعی به کار می‌رفته است؛ برای مثال: تذکره الخطاطین، تذکره الشعراء، و غیره؛ گرچه از سده نهم بدین سو، یعنی پس از تألیف تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی، غالباً معنای خاص «زندگینامه شاعران» یافته است.

سیره نویسان سنتی بیشتر به شخصیت و زندگی معنوی و تاریخی و سخنان قهرمان یا قهرمانان اثر خود توجه داشتند تا به شخص و زندگی ملموس زمینی و روزمره او؛ و به همان قیاس هم در ساختار متن آمیزه‌ای از افسانه و رویدادهای خاص فراطبیعی با واقعیت و رویدادهای عام روزمره به آفرینش پیرنگ‌هایی انجامیده بود که در آنها از سویی مرز میان زمان و مکان حقیقی و زمان و مکان مجازی فرو ریخته و از سوی دیگر در زبان روایت ترکیبی از استعاره و مجاز ظاهر شده و در تحلیل نهایی زندگینامه‌ها کارکرد تمثیلی قدسی یافته بودند و به وسیله‌ای، به گفته پورجوادی، «برای ایجاد یا تقویت دینی در کسانی که آنها را می‌خواندند یا می‌شنیدند، مانند ادعیه و اورادی که در حین عبادت می‌خواندند و تکرار می‌کردند» (نصرالله پورجوادی، همان جا) بدل گشته بودند.

نویسندگان این سیره‌ها یا اولیانامه‌ها به ندرت به چهره واحدی پرداخته‌اند - نمونه‌هایی مانند اسرارالتوحید که حاوی گزارش اعمال و سخنان ابوسعید ابوالخیر است بسیار اندک‌اند - بلکه غالباً مجموعه‌هایی از زندگینامه شخصیت‌ها فراهم آورده‌اند که به تعبیری «زندگینامه‌های جمعی» (collectiv biography) خوانده می‌شوند که دارای ساختارهای قاموسی (dictionary) و مدخل‌های متعددند، و این ویژگی ساختاری آثار مورد بحث را از جهت ارزش کاربردی از مقوله «کتاب‌های مرجع» ساخته است.

و سرانجام اینکه، گرچه هیچ یک از این سیره نویسان کتاب خود را با هدف خلق یک اثر ادبی تألیف نکرده‌اند(سنج. پورجوادی، همان جا، در اشاره به «آرایش ادبی» در تذکرةالاولیاء)، اما نثر فاخر و زبان والایش یافته در روایت، متن‌های حاصله را اعتبار ادبی بخشیده و در ردیف آثار ماندگار هنر کلامی کلاسیک فارسی قرار داده است.



## ۲-۲- سلمی

ابو عبدالرحمان محمد بن حسین، یکی از مهم‌ترین و پرکارترین نویسندگان صوفی در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم است. در سال ۳۲۵ ق در نیشابور زاده شد و در سال ۴۱۲ ق در همان شهر از دنیا رفت. پدرش، حسین بن محمد آزدی، یکی از پیروان ملامتیان نیشابور بود. سلمی تحصیلات اولیه و آشنایی‌اش با تصوف را مدیون جدّ مادری خود، ابو عمرو اسماعیل بن نُجَید (متوفی ۳۶۶ق)، بود که خود مرید ابوعثمان حیری نیشابوری بود. سپس مرید ابوالقاسم نصرآبادی (متوفی ۳۶۷ق) شد و خرّقه تصوف از دست او پوشید و در سال ۳۶۶ ق به همراه او به حج رفت. نصرآبادی خود شاگرد ابراهیم بن شیبان کرمانشاهی بود و با شیخ معروف بغداد، ابوبکر شبلی (متوفی ۳۳۴ق)، نیز صحبت داشت.

«سلمی همچنین شاگرد ابوبکر رازی بود و مطالب بسیاری از او در کتاب طبقات الصوفیه آورده و حتی خواجه عبدالله انصاری گفته که سلمی تاریخ الصوفیه خود را به تقلید از کتاب رازی نوشته است.» (پورجوادی، ۱۳۸۴: ۱/۷۲۷)

بدین ترتیب سلمی مستقیماً یا با واسطه، با چند تن از مشایخ بزرگ نیشابور و بغداد و کرمانشاه و ری مرتبط بود. سلمی به منزله یک محدث برای سماع حدیث سفرهایی نیز به شهرهای مختلف خراسان و عراق و حجاز کرد و سرانجام در شهر خود، نیشابور، ساکن شد. پس از درگذشت اسماعیل بن نجید، کتابخانه او با همه کتاب‌های آن در علوم تصوف و حدیث و تفسیر قرآن به سلمی رسید و او نیز با استفاده از این میراث ارزشمند به تألیف کتاب‌ها و رسائل متعدد به زبان عربی، درباره مبانی تصوف و بزرگان صوفیه، همت گماشت و در میان اهل تصوف مشهور شد.

بیشتر نویسندگان صوفی پس از او مدیون آثار او بوده‌اند، چنان که ابوالقاسم قشیری نیشابوری، که یکی از شاگردان او بود، مطالب بسیاری از او در رساله قشیریّه نقل کرده است. ابوسعید ابوالخیر نیز، که از دست او خرّقه پوشیده بود (عطّار، ۱۳۸۹: ۸۰۴) سخنان او را نقل کرده و حتی از چگونگی نوشتن رساله‌ای به خط خود او یاد کرده است.

«نویسندگان فارسی‌نویس و فارسی‌گویی مانند علی بن عثمان هجویری و خواجه عبدالله انصاری و رشیدالدین ابوالفضل میبدی و فریدالدین عطار نیشابوری نیز از آثار سلمی متأثر بوده‌اند. آثار سلمی را متجاوز از یک صد کتاب و رساله دانسته‌اند. آثار سلمی همه به زبان عربی است.» (پورجوادی، ۱۳۸۴: ۱/۷۲۸)

## ۳-۲- مهم ترین آثار سلمی

### ۱- حقائق التفسیر:

مجموعه‌ای است از تفاسیر عرفانی، و در رأس آنها تفسیر منسوب به حضرت امام صادق(ع)، که جداگانه استخراج و تصحیح و چاپ شده است. تفاسیر صوفیانی چون ابوالعباس ابن عطاءالادمی و ابوالحسین نوری و حسین بن منصور حلاج نیز جداگانه تصحیح و چاپ شده است. این تفاسیر در جلد اول مجموعه آثار ابو عبدالرحمان سلمی گردآوری و چاپ شده است. کل حقایق التفسیر نیز در دو جلد به کوشش سید عمران (بیروت، ۲۰۰۱م) به چاپ رسیده است.

### ۲- طبقات الصوفیه:

کتابی است درباره زاهدان و صوفیان که با فضیل بن عیاض آغاز و به ابو عبدالله دینوری ختم می‌شود. سلمی در این کتاب، پس از معرفی کوتاه هر یک از مشایخ، سخنان ایشان را نقل کرده است. او در شرح احوال و سخنان شخصیت‌های برجسته دینی آثار دیگری نیز دارد که یکی از آنها کتاب کم حجم‌تری است درباره زنان عابد و زاهد و صوفی با نام ذکرالنسوه المتعبدات الصوفیات، که به نوعی دنباله طبقات الصوفیه است، و در آن شرح احوال و داستان‌ها و اقوال ۸۴ تن از زنان پارسا و پرهیزکار ذکر شده است. متن کامل و ترجمه فارسی این رساله را مریم حسینی در کتاب خود، به نام نخستین زنان صوفی (تهران، ۱۳۸۵ ش) چاپ کرده است.

### ۳- تاریخ الصوفیه:

اثر مهم دیگری از سلمی است که اصل آن مفقود است و فقط قسمت‌هایی از آن، که در آثار دیگران به صورت پراکنده نقل شده، به دست ما رسیده است. آثار دیگر سلمی که به صورت رسائل کوتاه است، بعضی درباره مسائل و مباحث نظری و اعتقادی صوفیان و روان‌شناسی ایشان، و پاره‌ای درباره جنبه‌های عملی و اخلاق و مقامات عارفان و آداب مریدان و اعمال عبادی سالکان است. سلمی نویسنده‌ای بسیار پرکار بوده است و با این مختصر توضیحات اهمیت و تأثیرگذاری آثار او تا حدودی روشن می‌شود. «اگر آثار سلمی نبود، بی شک ما از بسیاری از مطالب دینی

و عرفانی و اجتماعی در قرن‌های اولیه تاریخ اسلام، به خصوص در ایران، محروم می‌بودیم.»  
(پورجوادی، ۱۳۸۴: ۱/۷۲۸)

به همین دلیل است که هجویری در کشف المحجوب سلمی را «نقال طریقت و کلام مشایخ» خوانده است. (هجویری، ۱۳۸۹: ۱۲۲)  
رساله‌های سلمی، با عنوان مجموعه آثار ابو عبدالرحمان سلمی، در سه جلد، به کوشش نصرالله پور جوادی در تهران انتشار یافته است.

#### ۴-۲- از طبقات سلمی تا نفحات جامی

همان طور که در ذکر سلمی آورده شد، او اولین کسی از صوفیان است که اقدام به نوشتن شرح حال و اقوال اولیا و مشایخ بزرگ در قرن‌های اولیه اسلام و تصوف نمود. در همه تذکرها از طبقات سلمی تا نفحات جامی آیه ۱۲ سوره هود که به دفعات از زبان مشایخ در آنها نقل شده است، داعیه دل‌انگیزی بود که در طول روزگاران، آثار گرانبهایی مثل طبقات الصوفیه خواجه عبدالله انصاری و تذکرة الاولیاء عطار نیشابوری و نفحات الانس من حضرات القدس جامی نوشته شدند. این آیه در طبقات الصوفیه انصاری به نقل از زبان جنید چنین آمده است:

«جنید گفت: «حکایات المشایخ جُنْدٌ من جُنودِ الله - عزّ و جلّ، یعنی لِلْقُلُوبِ». از وی پرسیدند که: «این حکایات چه منفعت کند مریدان را؟» جواب داد که: «الله می‌گوید - عزّ ذکره - که: «وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ» (قرآن کریم، هود: ۱۲). می‌گوید - عزّ ذکره - که: قصه‌های پیغامبران و اخبار ایشان بر تو می‌خوانیم و از احوال ایشان ترا آگاه می‌کنیم تا دل تو را بدان ثبات باشد و قوت افزاید و...» (انصاری، ۱۳۶۲: ۱)

در پیدایش نخستین تذکرة مشایخ به زبان فارسی، دستمایه ابتدایی خواجه عبدالله انصاری (درگذشت: ۴۸۱) طبقات الصوفیه شیخ ابو عبدالرحمان سلمی (درگذشت: ۴۱۲) بود. خواجه عبدالله از این کتاب که به زبان تازی بود، به لهجه هروی املا می‌فرمود و یکی از مریدان و شاگردانش گفته‌های او را می‌نوشت. البته گفته‌های خواجه عبدالله ترجمه محض و دقیق کتاب سلمی نیست و خواجه عبدالله علاوه بر مشایخ کتاب سلمی، از کسانی هم که نامشان در آن کتاب نیامده بود ترجمه حال و سخنانی می‌آورد و «بعضی از اذواق و مواجید خود بر آن می‌افزود.» (جامی، ۱۳۷۰: ۲) بدین گونه اثری تازه به وجود می‌آورد.

بعد از خواجه عبدالله این عطار است که از کودکی به اهل طریقت عشق می‌ورزیده و تا سال‌ها سخنان و روایات بزرگان تصوف را جمع آوری می‌کرده است. او سوخته‌دردمندی بود که تذکرةالاولیاء را با زبانی ساده و شیوا و سوزناک، برای طالبانی نوشت تا با خواندن آن «آگاه گردند که این چه درد بوده است در جان‌های ایشان که چنین کارها و از این شیوه سخن‌ها از دل ایشان به صحرا آمده است.» (استعلامی، ۱۳۸۹: ۸)

«از این سال‌ها باز، بیش از گذشته طریق تصوف بسط و فراخی یافت و در آن شاخه‌هایی گونه‌گون پدید آمد و سال‌ها بر آن گذشت تا در قرن نهم عارف و شاعری باز هم از هرات، یعنی مولانا «عبدالرحمان بن احمد الجامی و پای شکسته زاویه خمول و گمنامی»، یادگار جاودانه خواجه انصاری را «کتابی لطیف و مجموعه ای شریف» یافت، و از این روی بارها به خاطرش گذشت «که به قدر وسع و طاقت در تحریر و تقریر آن کوشش نماید. آنچه معلوم شود به عبارتی که متعارف روزگار است در بیان آرد و آن را که مفهوم نشود در حجاب ستر و کتمان بگذارد...». (جامی، ۱۳۷۰: ۲)